



۵ دقیقه

# دوازده سال بر روی **دانش آموزی** به پایان رسید

فاطمه سادات موسوی

پرديس فارابی دانشگاه تهران



## باز آمد، بوی ماه مدرسه ...

«دهه هشتادی» خسته نشید. زیاد استفاده می‌شه. حس و حال دبیرستان و فضای نه‌چندان آزادش با همه‌ی سختی‌هاش و معاون انضباطی‌هایی که اسم‌هاشون تا چند سال آینده هم یادتون نمی‌ره و بازهم محدودیت‌ها. امتحان نهایی‌های طاقت‌فرسایی که بعد از امتحان به طراح سوالش فکر می‌کردید و برای

دانشگاه به مشامتون بخوره، از ذوق توی پوست خودتون نمی‌گنجید. کلی فکر دارید برای شروع یک مرحله‌ی جدید از زندگی‌تون. بمب انرژی هستید و می‌شه این رو توی چهره‌ی تک تک شما دید. اکثر شما دخترها و پسرهای هجده ساله و **#دهه-هشتادی‌ای** هستید که دوازده سال درس خوندید و **#دانش-آموز** بودید. از شنیدن این ترکیب

می‌تونم با اطمینان خاطر کامل بگم که هیچ‌کدوم از شما دوست ندارید باز هم این شعر و آهنگ رو بشنوید و الان از اینکه این شعر شامل حال شما نمی‌شه، خیلی خوشحالید. حتی از اینکه قراره بوی تازه و شاید به‌نظرتون بسیار مطبوع‌تر



دانشگاه گرفته تا شورای صنفی. اون‌ها هم قطعاً جز تعالی و رشد کردن شما چیزی نمی‌خوان. قطعاً.

جامعه‌ی آرمانی دانشگاه از شما به‌عنوان یک دانشجوی مطالبه‌گر، جست‌وجوگر، دارای ذهن خلاق و نقاد توقع داره.

## دانشگاه جای #بی- تفاوت‌ها نیست

به کمبودها و نواقص دقت کنید. غر نزنید. منطقی باشید و برای به سرانجام رساندن خواسته‌تون تلاش کنید. به محاسن هم توجه کنید. کارهای خوب فرهنگی و غیره‌ی دانشگاه رو دنبال کنید و همیشه احساس خوبتون رو ابراز کنید.

نذارید جسم دانشگاه توی یک روح افسرده بمیره. نشاط دانشگاه به شما بستگی داره. از کس دیگه‌ای طلب نکنید. شاید حضور و غیاب توی کلاس‌های درس براتون مهم نباشه. شاید بخواید کلاس‌ها رو بپیچونید؛ ولی حضور شما توی دانشگاه، به‌عنوان یک دانشجوی فعال، لازمه‌ی گذاشتن اسم دانشجو روی شماست. این رو به خاطر بسپارید.

پس ما حضور شما رو تبریک می‌گیم در عرصه‌ی وسیع و پهناور دانشگاه برای مشخص کردن جایگاه خودتون در جامعه. امیدواریم در این مسیر، کنار همدیگه امید رو به محیط دانشگاه تزریق کنیم.

دارم قدم اول و مهم‌تر رو با هم برداریم.

## #دانشگاه

مهم نیست چه رشته‌ای می‌خونی. قرار نیست جامعه‌ی دانشگاهی تو رو به‌عنوان صرفاً یک «دانشجو» بشناسه. دانشگاه یک فرصته. فرصتی برای جنگیدن. بله دقیقاً. صحنه‌ی نبردِ فکر، عقیده، ایدئولوژی و سیاست. البته فعلاً به سیاست نمی‌پردازم. شما به‌عنوان یک دانشجوی صاحب اندیشه وارد فضای رقابتی دانشگاه می‌شید. نه فقط رقابت برای به دست آوردن معدل الف یا کسب مقام علمی که قطعاً مهمه، نه. فضای رقابتی دانشگاه مکانیه برای پیدا کردن خط مشی خودتون. برای پیدا کردن عقایدی که خودتون بهشون پی می‌برید، نه اینکه اون رو به‌اجبار وارد مغزتون کنن. وظیفه‌ی شما همینه. اجازه ندید ایده‌ها و افکارتون رو بدزدن. نذارید هیچ شخص یا ارگانی در راه شما برای رسیدن به اهداف بزرگتون سدی قرار بده. دانشگاه به دانشجوی مبارز و حق‌طلب و عدالت‌جو نیاز داره.

شما حق دارید در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و علمی شرکت کنید و اگر شرایط براتون مهیا نبود، خواستار تغییر اون شرایط بشید. نهادهای پاسخگو رو پیدا کنید و ازشون مطالبه کنید. از رئیس

اون سوال‌های خفنش قربون صدقه‌ی دست و پنجه‌ش می‌رفتید. ولی باز هم دست از تلاش برنداشتید؛ چون اینجا بیدارید. برای کنکور تلاشتون رو صدچندان کردید. ساعت‌های متوالی درس خوندید و تست زدید (تلاش برای رسوندن ساعت مطالعات به چهارده ساعت) و درصدهای درس‌های سخت و آسون رو بالا و پایین کردید برای رسوندن رتبه‌تون به اون چیزی که می‌خواید. اعتراف کنید که نصفتون یک سال اخیر رو توی کتابخونه زندگی کردید.

«سیزده و چهارده تیر ماه» چهار ساعت و تموم؟ نه. شاید خسته شدن‌ها، ناامیدی‌ها، تاثیر آدم‌های اطرافتون و اون روز طلایی سیزده و چهارده تیر ماه و اون چهار ساعت تموم شده. نه.

## #هنوز - تموم نشده

و انتظار برای اینکه ببینید چی شد نتیجه‌ی اون تلاش‌ها؟ با اینکه می‌دونید همه‌چی دست شما نیست. تمام آینده‌تون رو توی کنکور دیدید و قطعاً حق داشتید. دوازده سال تلاش برای رسیدن به یک هدف. قصه‌ی دبیرستان تموم شد رفقا. وارد #عصر\_جدیدی می‌شیم. سرتون رو بیارید بالا. به اطرافتون نگاه بندازید. شاید دقیقاً همون جایی نباشه که فکر می‌کردید باید باشید. ولی هستید. پس دوست